



بررسی لزوم توجه به تفاوت های فردی یادگیرندگان در نظام آموزشی

علی پوش

کارشناسی راهنمایی و مشاوره آموزش و پرورش هرمزگان

چکیده

یکی از پدیده های طبیعی مشهود در تمام ساختارهای جوامع انسانی وجود تفاوت است. یک نظام آموزشی سالم، انسانی و کارآمد این تفاوتها را به شکل طبیعی از توانایی ها و قابلیت ها دریافت و ادراک می کند. وجود تفاوت های فردی در میان دانش آموزان از نظر هوش، شخصیت، استعداد، پیشرفت تحصیلی، استعداد، پیشرفت تحصیلی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و قدرت یادگیری یکی از مهمترین مسائلی است که معلمان در کلاس های درس خود با آن مواجه اند، چرا که معلمان به تجربه دریافته اند که شیوه ی برخورد با شاگردان مختلف و نیز پیروی از یک روش تدریس خاص نمی تواند برای همه ی دانش آموزان به طور یکسان مفید باشد. این مقاله تلاش دارد. به بررسی تفاوت های فردی در میان دانش آموزان پرداخته و آن را از جنبه های گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: تفاوت های فردی، دانش آموز، مدرسه، یادگیری

مقدمه

آگاهی از وجود تفاوت های فردی بین انسانها به اندازه ی خلقت انسان قدمت دارد. زیرا انسانهای اولیه از متفاوت بودن یکدیگر کاملاً آگاه بودند. بدین صورت که وقتی به هم می رسیدند بلافاصله زور و بازوی یکدیگر را تخمین می زدند. اگر تاریخ را ورق بزنیم در هیچ دوره ای نخواهیم دید که انسانهای جامعه ی خود را گروه بندی نکنند و برای هر گروه ویژگی های خاصی را قائل نشوند. بدیهی است که این نوع طبقه بندی ها نمی توانست دقیق باشد زیرا معیار عینی نداشت. به تدریج که اجتماعات بشری پیشرفت حاصل کرد چاره ای جز این نبود که توانایی ها را به صورت علمی اندازه بگیرند و تفاوتهای فردی را به دقت تعیین کنند و برای هر کاری فرد مناسبی بگمارند و اینجا بود که تعدادی از انسانها که در واقع نبوغ داشتند و متفاوت از دیگران بودند به پا خاستند و با تهیه ی ابزار و شیوه های دقیق، توانستند هموعان خود را از جنبه های مختلف مورد آزمایش قرار دهند و تفاوت های آنها را آشکار سازند. در این میان افراد دیگری نیز پیدا شدند که با ارائه نظریات جدید، افکار مردم را درباره شیوه ی تعلیم و تربیت انسانها به کلی تغییر دادند. می توان گفت که درمورد اخیر نقش «ژان ژاک روسو» چشم گیر بوده است. «روسو» با ارائه نظریات جدید، افکار مردم را درباره ی شیوه تعلیم و تربیت انسانها به کلی تغییر داد. در اثر افکار نو «روسو»، آموزش و پرورش از حالت معلم محوری بیرون آمد و به صورت شاگرد محوری در آمد؛ یعنی آموزش و پرورش بر استعدادهای و علائق هر کودک و هر سن تاکید کرد. (کرمی، ۱۳۷۰)

«بسل» ستاره شناس آلمانی، پس از یک سری آزمایش نشان داد که هر کس معادله ی خاص خود را دارد و هیچ دو نفری نمی توانند به برآورد کاملاً یکسانی از مسئله برسند. «چارلز داروین» صراحتاً اعلام کرد که افراد یک نوع جاندار هستند که خصوصیات فردی متفاوت دارند مؤثرترین قدم برای توسعه روان شناسی تفاوت های فردی را «فرانسیس گالتون» برداشت. او با مطالعه افراد مشهور و تلاش در اثبات این که نبوغ ارثی است، بر وجود تفاوت های فردی صحت گذاشت. زمانی که او